

ادامه از صفحه اول

واکاو، موج حملات به دولت شعارهای کربنی

کافی است که فقط در دوره پس از احمدی‌نژاد منتشر شده باشد. این رسانه‌ها چه هدفی را دنبال می‌کنند؟ آیا آنها اعتقاد دارند، دانستن حق مردم است و باید شش‌دانگ حواسشان را جمع کنند تا کلاه سر مردم نرود؟ بعید است این‌گونه باشد. در عالم سیاست اتفاقاتی پیش می‌آید که در بدو امر واقعی به نظر می‌رسد، اما نه‌تنها واقعی نیست، که تضادی جدی هم با حقیقت دارد. ظهور احمدی‌نژاد واقعه‌ی انکارناپذیر بود که هرگز به حقیقت گفتمان خود ن‌ت نداد؛ گفتمان عدالت‌طلبانه‌ای که قرار بود فقر و بی‌کاری و فاصله طبقاتی را از بین ببرد و نفت را بر سر سفره مردم بیاورد. این اولین‌بار نیست که پای نفت در میان است. تأثیر نفت بر زندگی مردم، سابقه دیرینه‌ای دارد. احمدی‌نژاد به‌درستی از شعار «نفت بر سر سفره مردم» استفاده کرد و کافی است او تنها به این یک سؤال پاسخ دهد: آیا او توانست این شعار کلیدی را که با آن میلیون‌ها حاشیه‌نشین فقیر و بی‌کار را پای صندوق‌های رأی کشاند، محقق کند؟! برخی وقایع در سیاست آن‌طور نیست که نشان می‌دهد. در کتاب «دموکراسی کربنی» نوشته تیموتی میچل، ترجمه شهریار خواجهیان، پرده از دروغ‌های راست‌نمای تاریخی کنار می‌رود: «داستان نفت خاورمیانه معمولا به خطا با کشف نفت در مسجدسلیمان در سال ۱۹۰۸/۱۲۸۹ آغاز می‌شود. گروه کوچکی از حفاران که برای یک سرمایه‌گذاری تکروری انگلیسی کار می‌کردند، درحالی‌که تجهیزات سنگین خود را بار اربه و قاطر کرده بودند و در اقلیم خشک و نامهربان بیابان‌های فلات جنوب‌غربی ایران از این‌سو به آن‌سو می‌پردند، پس از هفت‌سال اکتشاف ناموفق به یک حوزه بزرگ نفتی رسیدند. این کشف به تأسیس یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی جهان یعنی بریتیش پترولیوم انجامید که ساخت یک صنعت مدرن نفتی را در حاصلخیزترین منطقه نفتی جهان آغاز کرد. داستان کاشفان‌بی‌باکی که ثروتی نامتصور را در قلمرویی متروک کشف کردند این حقیقت را نادیده می‌گیرد که وجود نفت پیش از آن نیز در مناطق مناسب‌تر خاورمیانه شناخته شده بود و دلیل اصلی جست‌وجوی نفت در تپه ماهورهای سسترون ایران نه راه‌اندازی صنعت نفت منطقه، که به‌تأخیراندختن شکل‌گیری آن بود.»

به بیان دیگر انگلیسی‌ها برای کشف و توسعه میدان‌های نفتی به ایران نیامدند. آنها آمدند تا پیش‌دستی کنند که اگر نفتی موجود است که بود، امتیاز انحصاری استخراج آن را از آن خود کنند و مهم‌تر از همه آنکه توزیعش را به تأخیر بیندازند تا در بازار جهانی قیمت نفت را در بد قدرت خود نگه دارند. اما این فقط گوشه‌ای از بُعد اقتصادی نفت است. بُعد سیاسی آن جذاب‌تر و خواندنی‌تر است؛ بُعدی که در آن از دل نفت و زغال‌سنگ دموکراسی متولد می‌شود؛ دموکراسی‌ای که بیش از آنکه ثمره تحقق «ایده دموکراسی» باشد، ثمره سوخت کربنی است.

اگرچه احمدی‌نژاد با شعار نفت بر سر سفره مردم روی کار آمد، اما بیش از آنکه نفت را بر سر سفره‌های مردم بیاورد، نگذاشت درآمد هنگفت حاصل از نفت در زندگی مردم وارد شود و توسعه و شکوفایی اقتصادی ایجاد کند و در عمل این روند را به تأخیر انداخت؛ ازاین‌رو به این شبهه ناخواسته دامن زد که او آمده تا جلو استفاده درست از درآمد سرشار نفت را بگیرد. اگر دانستن حق مردم است، رسانه‌های اصولگرا برای اینکه دوباره «کلاه سر مردم نرود»، باید به واکاوی و انتقاد از عملکرد گذشته خود بپردازند تا خود را از شبهات به‌وجودآمده مبرا کنند و در سایه این اعتمادسازی مجدد، صاحب مردم باشند. انتقاد از دولت یازدهم هم به قوت خود باقی است.

خبر

اظهارنظرزنگنه درباره دوترخی کردن بنزین

● **خانه ملت:** وزیر نفت، در پاسخ به سؤالی درباره برنامه وزارت نفت برای دوترخی‌کردن بنزین، گفت: این وزارتخانه اکنون برنامه‌ای دراین‌باره ندارد. زنگنه همچنین با بیان اینکه فروش نفت تنها با پیورو انجام می‌شود، گفت: ایران با هیچ کشوری معامله نفتی به غیر از دریافت پیورو نخواهد داشت.

شرق: تورم بالقوه‌ای که در نقدینگی پنهان است، برکسی پوشیده نیست، اما چرا درحالی‌که نرخ رشد نقدینگی در سال‌های اخیر به‌طور متوسط ۲۵ تا ۳۰ درصد بوده و اکنون به بیش از هزارهزار میلیارد تومان رسیده است، نرخ تورم روند کاهشی را در پیش گرفته است؟ اصول تئوریک علم اقتصاد، وجود رابطه پایدار میان تورم و رشد نقدینگی را تأیید می‌کند و بیانگر این است که در بلندمدت یک درصد افزایش در رشد نقدینگی به افزایش ۰.۸۹ درصدی تورم منجر می‌شود. اما حالا با رشد نقدینگی حدود ۲۷درصدی در سال ۹۴، رشد تولید و تورم حدود ۱۳درصدی را شاهدیم. کارشناسان معتقدند این ۱۴ درصد باقی‌مانده به‌طورقطع در بخش‌های نامولد اقتصاد ذخیره شده است و هرآن با آزادشدن، می‌تواند بلای جان اقتصاد ایران شود. علی اکبر نیکوآقبال، عضو هیات‌علمی دانشگاه اقتصاد دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با «شرق» هشدار می‌دهد با کاهش نرخ سود بانکی آن هم به‌صورت دستوری بدون درنظرداشتن جایگزینی برای انباشته‌شدن حجم نقدینگی ذخیره‌شده در بانک‌ها، خطر تبدیل این حجم از نقدینگی به آتشفشان تورم وجود دارد. این اقتصاددان احتمال می‌دهد دولت در فکر انتقال این نقدینگی در پی کاهش سود بانکی به بازار مسکن باشد. هرچند این اقسام دولت از از روی عجز از به‌کارگیری راه‌حل‌های منطقی برای تحرک بخش‌های مولد بدون کمک بخش مسکن می‌داند. او معتقد است بهتر بود دولت فکری به حال بازار سرمایه می‌کرد تا بتواند از آن طریق این حجم از نقدینگی را سروسامان دهد.

● **حجم نقدینگی به هزارهزارمیلیارد تومان رسیده اما نرخ تورم روند کاهشی را در پیش گرفته است؛ این تضاد را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟**

باید گفت از طرفی رکود، از افزایش نرخ تورم جلوگیری کرده و از طرفی دیگر حبس نقدینگی در سیستم بانکی به دلیل بهره‌های بانکی بالا، رخ داده است. بیش از ۵۰ درصد این منابع بانکی که این نقدینگی را در خود جای داده به سمت شرکت‌های زیرمجموعه و وابسته به خود سیستم بانکی رفته و راهی تأمین مالی بخش تولید نشده است. این موضوع سبب شده تا نقدینگی موجود در بانک‌ها منحرف شده و به سیستم بانکی بازپس داده نشود که این بازنگشتن وام‌ها به سیستم بانکی خود از عواقب حبس نقدینگی در آنها به شمار می‌رود.

● **از حجم بالای نقدینگی به عنوان ازدهای خفته نیز یاد می‌شود که اگر آزاد شود عواقب سهمگینی را برای اقتصاد به همراه خواهد داشت. این حجم بالای نقدینگی چه تبعاتی را می‌تواند برای اقتصاد به همراه آورد؟**

به‌طور متوسط در یک دهه گذشته حدود ۳۰ درصد رشد نقدینگی سالانه داشته‌ایم و اکنون به بالای هزارهزار میلیارد تومان رسیده که وحشت‌از فعال‌شدن این نقدینگی را در اقتصاد ایجاد کرده است. این حجم از نقدینگی تورم بالقوه‌ای را در خود پنهان کرده است. در واقع تورم نهفته در این نقدینگی جایگاه ظهور مجدد نیافته است. نرخ بهره بانکی بالا سبب شده تا این نقدینگی آزاد نشود، اما تلاش دولت و بانک مرکزی برای کاهش نرخ سود بانکی به صورت دستوری می‌تواند منجر به آزادشدن نقدینگی از بانک‌ها و حرکت به سوی سفته‌بازی و خرید و فروش ارز و...

شود. در واقع اگر نرخ سود بانکی به نزدیکی ۱۰ درصد کاهش یابد، احتمال اینکه آتشفشان تورم فعال شود، زیاد خواهد بود.

● **نرخ‌های بالای سود بانکی برای بخش‌های مولد مضر است؛ زیرا سبب می‌شود نقدینگی مردم به سوی بخش تولید حرکت کنند؛ اما از طرفی این احتمال وجود دارد که در صورت آزادسازی نقدینگی به سبب کاهش نرخ تورم، این نقدینگی به سوی بخش‌های غیرمولد برود. در این شرایط دولت باید چه راهی را در پیش بگیرد؟**

اگر اعتباردهی بانکی به سمت بازار سرمایه منتقل شود و بورس منابع را از اختیار بنگاه‌های مولد بگذارد، می‌تواند راه‌حل مناسبی باشد اما اکنون بازار سرمایه ما این قابلیت را ندارد. سیستم سرمایه‌گذاری بلندمدت و کوتاه‌مدت بورس، توانایی جذب این نقدینگی را ندارد. نظام بانکی باید به طریقی انجام شود که مؤسسات با کارایی بالا بتوانند از عرضه اعتبارات متنفع شوند؛ به‌ه‌رترتیب باید سیستم فشل بانکی را به سمت بازدهی بسیار بالا حرکت دهیم. مدیریت سیستم بانکی کارآمد نیست. حقوق‌های بسیار بالای مدیران دولتی و توانمندی مؤسساتی

را که بازدهی خوبی در اقتصاد ندارند در نظر بگیرید که به دلیل قدرت اقتصادی می‌توانند وام‌های بالایی را در اختیار خود بگیرند. در حقیقت عرضه اعتبارات به سمت تولیدکنندگان واقعی حرکت نمی‌کند زیرا نیروهای پرقدرتی در سیستم بانکی وجود دارند که این منابع را به سمت خود به حرکت درمی‌آورند. باید پروژه‌های نظام بانکی مورد نظرات دقیقی قرار گیرد. به‌عنوان مثال وام‌های بانکی به سمتی که تقاضا شده حرکت کنند نه اینکه وامی برای واحد تولیدی گرفته شده اما سر از مسکن درآورد. کسانی که در مقام مدیران بانکی کشور حضور دارند متأسفانه کسانی هستند که برای حفظ مقام خود، حاضر بودند تسلیم خواسته‌های سازمان‌های نسبتاً قوی در کشور شوند.

● **سال گذشته رشد نقدینگی حدود ۲۷درصد**

اقتصاد

نیکوآقبال در گفت‌وگو با «شرق» چرایی عدم تأثیر نقدینگی بر تورم را تشریح می‌کند

اتراق نقدینگی در بانک‌ها



عکس: Reuters

و جمع رشد تولید و تورم ۱۳ درصد بود؛ اما رشد نقدینگی متناسب با تورم نبوده و ۱۴درصد فاصله بین تولید و تورم با رشد نقدینگی است که نشان می‌دهد این نقدینگی، بیشتر از سال‌های قبل به فعالیت‌های نامولد اختصاص یافته است. در واقع هنوز هم با وجود رکود شدید در اقتصاد، بخش‌های نامولد جذابیت‌های خود را دارند. چگونه این مسئله را می‌توان توجیه کرد؟

بخش تولید در کشور سوددهی مناسبی ندارد و اگر نگاه کنیم، تنها صنایع وابسته به نفت و گاز هستند که سوددهی دارند و تولیداتشان به فروش نمی‌رود. به‌طور کلی اقتصادی که معلول شده و قدرت تولیدی خوبی ندارد، به طرق مختلف تولیدکنندگان خارجی جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد آن کسب می‌کنند. در چنین شرایطی باز هم بخش‌های نامولد سوددهی خاص خود را ندارند؛ زیرا فضای آنها تنگ نشده است. قاچاق در اقتصاد غیررسمی هنوز هم رونق دارد و بانک‌ها هنوز هم در بخش‌های غیرتولیدی و نامولد سرمایه‌گذاری می‌کنند. در چنین شرایطی هنوز هم جذابیت بخش‌های نامولد سر جای خود باقی است.

● **با کاهش نرخ سود بانکی، احتمال آزادشدن این نقدینگی و هدایت آن به بازارهای موازی دیگر وجود دارد. فکر می‌کنید کدام بازار بیشترین سهم را از این نقدینگی آزادشده خواهد داشت؟**
به توجه به اینکه همواره اقتصاد ایران دچار بیماری هلندی بوده و این بخش مسکن بوده که حرکت‌دهنده باقی اقتصاد بوده، کوشش دولت هم به این سمت است که با افزایش وام‌های مسکن به طرق مختلف مسکن را به تحرک وادارد و صنایع وابسته به آن را نیز که حتی گفته می‌شود ۵۰۰رشته صنعتی هستند، به حرکت درآورد.

● **یعنی معتقدید دولت از انتقال نقدینگی به بخش مسکن استقبال می‌کند و کاهش نرخ سود بانکی نیز تا حدودی با این انگیزه در حال رخ دادن است؟**

دولت در سه سال گذشته سعی کرده میزان وام‌های مسکن را پایین نگه دارد تا نقدینگی به سمت بخش مسکن نرود و به بیماری هلندی گرفتار نشویم؛ اما به یکباره به رکود برخوردیم. در این شرایط دولت راه معکوس را در پیش گرفت و مبالغ وام‌های مسکن را افزایش داد که نشان می‌دهد دولت فکر می‌کند راه دیگری ندارد و حتی اگر به بیماری هلندی گرفتار شود، باید از طریق صنایع ساختمان‌سازی، تحرک را در اقتصاد ایجاد کند.

● **این راه‌حل مناسبی است؟**

راه‌حل مناسبی نیست. با وجود یارانه‌ها و کمک‌های مختلف به بخش مسکن از سوی دولت، متقاضیان ساخت مسکن امسال نسبت به سال گذشته فقط پنج درصد افزایش یافته است؛ اما باز هم دولت چون از اصلاحات واقعی در اقتصاد که صنایع مختلف را بدون مسکن به تحرک وا دارد، عاجز است، روی به بخش مسکن آورده تا حداقل صنایع وابسته به آن را تحرک کند. به نظر نمی‌رسد این راه‌حل قدیمی تکرارشدنی باشد؛ زیرا قدرت خرید مسکن مانند گذشته نیست. کسانی که قدرت خرید آن را دارند هم، قبلاً چند مسکن خریده‌اند و نتوانسته‌اند با فروش آن سود کنند. در نتیجه آنها هم از ورود به بازار مسکن ابا دارند. قبلاً ۳۰درصد سود در خریدوفروش مسکن بود؛ اما اکنون با سپرده‌گذاری در بانک‌ها می‌توانند بدون دردسر سوده‌های بالایی را از آن خود کنند؛ بنابراین حمایت از صنعت مسکن نتوانست اقتصاد را دوباره راندازی کند. توانمندی تولیدی در کشور بسیار ضعیف شده است. وقتی می‌گوییم صنایع در ایران با ۵۰ درصد ظرفیت فعالیت می‌کنند، یعنی سرمایه‌گذاری صنعتی بالایی در کشور انجام گرفته و قدرت تولیدی بالاست؛ اما به علل مختلف زیر ظرفیت فعالیت می‌کنند که خطر جدی برای اقتصاد ایران است. رشد اقتصادی در سال‌های گذشته به‌طور متوسط صفر درصد بوده، در نتیجه تولید سرانه تغییر چندانی نداشته و قدرت خرید افزایش نیافته است. اگر قدرت خرید هم وجود داشته باشد، به سمتی خواهد رفت که دولت از آنها به‌طور مستمر حمایت می‌کند؛ تولیدات ساخت خارج از کشور که اگر در کشور به فروش برسد، اشتغال و درآمد افراد را به خارج از کشور منتقل می‌کند.

● **اگر این حجم از نقدینگی آزاد شود، تا چه میزان تورم ایجاد خواهد کرد؟**

از دید تورئوریک، می‌توان محاسبه کرد که رشد اقتصادی صفر درصد و نقدینگی حدوداً ۲۷ درصد، باید تورم حدود ۲۷درصدی را ایجاد کند. اگر ایجاد نکرده، به دلیل عوامل مختلفی مانند رکود در اقتصاد است؛ به‌عنوان مثال اگر پنج درصد رشد اقتصادی و ۱۵ درصد رشد نقدینگی داشته باشیم، ۱۰ درصد فضا برای تحرک پولی در کشور وجود خواهد داشت که قطعاً به تورم ایجاد خواهد کرد؛ اما آمارهای اقتصادی کشور آن چنان صحنه نیست. تورم پایین موجود اغلب به سبب رکود در بخش مسکن و اجاره و صنایع وابسته به آن است. از طرف دیگر تورم ۱۱درصدی اعلام‌شده، متوسط قیمت‌هاست و محصولات مورد نیاز خانوار اغلب تورم‌های بالاتری دارند. حتی برخی از محصولات ضروری مردم تا ۳۰ درصد رشد قیمت داشته‌اند؛ بنابراین بیان متوسط تورم برای اقتصاد، گمراه‌کننده است. با این شرایط دولت حتی دستاورد ثابت قیمت‌ها را هم دارد از دست می‌دهد که باید فکری به حال آن بکند.

حفظ مصنوعی شاخص

اعتراض بسیاری از فعالان بازار شد که اعتقاد دارند نباید با توسل به این روش‌های غیراصولی، شاخص را به طور مصنوعی حفظ کنند. حجم معاملات مطابق قیمت‌ها و ماه‌های گذشته بسیار کم بود. بازار در هفته بالاخره شاهد کاهش عملی سود بانکی و ادامه‌دادن این کاهش تا ترقی‌شدن نرخ سود بود که می‌تواند سرآغاز اتفاقات مثبت در اقتصاد باشد.

پس از اعلام رسمی بانک‌ها مبنی بر کاهش سود از اول تیرماه، قیمت انواع اوراق بدی در بازار نیز افزایش یافت و با استقبال گرمی مواجه شد. افت بسیار زیاد قیمت اکثر نمادهای بازار خود باعث جذابیت نسبی در بازار شده که کم‌بودن عرضه‌کننده‌ها شهادی بر این مدعاست. از جمله اخبار مهم دیگر که در هفته مطرح شد، بحث درخواست اطلاعات سهام‌داران توسط سازمان هدمفندسازی یارانه‌ها بود که توسط مقامات وزارت اقتصاد و سازمان بورس قویاً تکذیب شد. هرچند پیش‌بینی بازار ماه‌هاست که بسیار سخت شده اما می‌توان با توجه به جذابیت قیمتی، کم‌بودن عرضه در بازار، وجود حمایت تکنیکی، تحرکات مثبت در گروه خودرو و ساخت قطعات در روز پایانی هفته و از طرفی کاهش سود بانکی و تزریق منابع ارزان‌قیمت مالی به تولیدکنندگان، با کوچک‌ترین تحرکی شاهد رشد بازار در هفته‌های آینده باشیم.

عنوان شاخص	۱۹ خرداد	۲۶ خرداد	تغییر
کل	۷۵۸۷۶٫۲	۷۳۸۷۶٫۱	-۱۹۹۹٫۱
شاخص قیمت	۲۷۶۳۹٫۸	۲۶۹۰۴٫۲	-۷۳۵٫۶
شاخص کل (موزن)	۱۳۷۹۵٫۴	۱۳۵۰۲٫۱	-۲۹۳٫۳
شاخص قیمت (موزن)	۱۱۲۵۲٫۶	۱۰۹۹۰٫۴	-۲۶۲٫۱
آزاد شاور	۸۴۴۳۵٫۵	۸۱۹۱۸٫۱	-۲۶۱۵۵
۵۰ شرکت بزرگ	۳۰۲۴۶٫۱	۲۹۳۵۳٫۳	-۸۸۸

در هفته جاری استخراج زغال‌سنگ با ۴۰.۲۸ درصد، ساخت محصولات فلزی با ۳۰.۱۵ درصد و مواد و محصولات دارویی با ۲۰.۶ درصد بیشترین تغییر مثبت در شاخص را نسبت به سایر گروه‌ها به خود اختصاص دادند.

شاخص فرابورس نیز با ۳۱ واحد کاهش به

عدد ۷۷۷ واحد رسید که این شاخص، کاهنی

تقریباً چهاردرصدی را پشت‌سر گذاشته است. بیشترین حجم معاملات فرابورس به‌ترتیب شامل گروه‌های عرضه برق، گاز و بخار، فلزات اساسی و حمل‌ونقل و ارتباطات بوده است.

بازار در هفته گذشته در پنج‌روز کاری خود منفی بود که به نظر اکثر فعالان بازار، با معاملات بلوکی میزان کاهش شاخص کنترل شده و از شدت کاهش آن کاسته است. همین امر خود باعث

خبر

آزادی مشروط کارگران شهرداری اهواز با قرار کفالت

● **ایلنا:** تمامی ۲۰ کارگر بازداشت‌شده شهرداری اهواز پس از پنج روز با قرار کفالت آزاد شدند. آقاپار حسینی، دبیر خانه کارگر خوزستان، گفت: برای هرکدام از این کارگران معادل ۳۰میلیون تومان به‌عنوان قرار آزادی مشروط تعیین شده است. وی ادامه داد: براساس این تمامی کارگران یادشده که از طریق ارائه فیش حقوقی و کارت ملی دوستان و بستگان خود آزادی موقت خود را به دست آورده‌اند، باید در زمانی که روزهای آینده مشخص می‌شود، برای ادامه رسیدگی قضائی به پرونده خود حاضر شوند. آزادی مشروط و موقت کارگران پیمانکاری شهرداری اهواز در حالی است که پیش‌ازاین کاظم سواری، از اعضای شورای اسلامی شهر اهواز، از آزادی بی قید و شرط این کارگران و ختم پرونده قضائی تشکیل‌شده برای آنها خبر داده بود.

سفر کارشناسان ایرانی به آمریکا برای پیگیری دزدی ۲میلیارددلاری

● **تسنیم:** مدیرکل امور بین‌الملل بانک مرکزی از سفر کارشناسان ایرانی به آمریکا برای مذاکره درباره برداشت دومیلیارددلاری از دارایی‌های ایران ازسوی این کشور خبر داد. به گزارش اسپوتنیک نیز، حسین یعقوبی میاب افزود: «این پول‌ها به دلار آمریکا ارزش‌گذاری شده‌اند؛ اما آنها ازسوی مؤسسات غیرآمریکایی ارسال شده‌اند... ما اکنون در حال تحقیق دراین‌باره هستیم. ما قبلاً تیم‌هایی را از دولت برای مذاکره با آمریکا اعزام کرده‌ایم. من اطمینان دارم که این مسئله در آینده نزدیک حل خواهد شد.»

ارز و طلا

بازگشت طلا

● **شرق:** آخرین روز کاری هفته گذشته با افت قیمت طلا در بازارهای جهانی همراه شد. در این روز یکی از نمایندگان پارلمان انگلیس هدف سوءقصد قرار گرفت و بر اثر شدت جراحات واردشده، جان باخت. این مسئله موجب شد رقابت‌های همه‌پرسی عضویت بریتانیا در اتحادیه اروپا متوقف و پنجشنبه آینده برگزار شود. هم‌زمان با این اتفاق، فدرال رزرو بعد از مدت‌ها به گمانه‌زنی‌ها پایان داد و تصمیم به تثبیت نرخ بهره گرفت. این مسئله باعث شد قیمت جهانی طلا با افزایش چشمگیری روبه‌رو شود و به مرز هزارو ۳۰۰ دلار در هر اونس برسد. به گزارش طلا به نقل از رویترز، قیمت هزارو ۳۰۰ دلاری برای هر اونس طلا در شش هفته گذشته بی‌سابقه بوده است. فدرال رزرو آمریکا در پایان نشست دوازده خود اعلام کرده که همچنان قصد ندارد تا پایان امسال دو بار نرخ بهره را افزایش دهد. فدرال رزرو همچنین گفته کاهش احتمالی رشد اقتصادی موجب خواهد شد روند تشدید سیاست‌های پولی در سال‌های آینده، کندتر شود. نظرسنجی رویترز نیز از بانکداران وال‌استریت نشان می‌دهد فدرال رزرو آمریکا احتمالاً تنها یک بار نرخ بهره را تا پایان سال ۲۰۱۶ میلادی افزایش می‌دهد. نشست بانک مرکزی ژاپن نیز قرار است امروز برگزار شود و احتمالاً بانک مرکزی این کشور نیز سیاست‌های پولی را بدون تغییر حفظ خواهد کرد. میزان ذخایر طلای صندوق اس‌پی‌دی‌آر نیز با افزایش ۰.۲۳ درصدی روبه‌رو شده و به بیش از ۹۰۰ تن رسیده است. این بالاترین رقم از اکتبر ۲۰۱۳ میلادی به شمار می‌رود. در این شرایط توصیه کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی به سرمایه‌گذاران بین‌المللی این است که برای خرید طلا بهترین فرصت زمانی خواهد بود که قیمت به کمتر از هزارو ۲۹۰ تا هزارو ۲۸۵ دلار کاهش یابد. تحلیل تکنیکال‌بیزنس‌این نیز نشان می‌دهد اگر سطح حمایتی هزارو ۲۸۵ دلاری شکسته شود، قیمت طلا تا هزارو ۲۷۴ دلار کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر سطح مقاومتی قیمت طلا نیز هزارو ۲۹۵ دلار خواهد بود و اگر این سطح شکسته شود، قیمت طلا تا هزارو ۳۲۵ دلار افزایش خواهد یافت. بعد از افزایش قیمت طلا در بازارهای جهانی، قیمت‌ها در بازار طلای داخلی هم صعودی شد، سکه طرح جدید به یک میلیون و ۵۰ هزار تومان رسید که قابل‌توجه است. قیمت هر سکه تمام در روزهای گذشته به زیر یک میلیون تومان هم رسیده بود که بعد از چند روز افزایش، دوباره به نرخ قبلی خود یعنی روزهای پیش از آغاز سال ۹۵ بازگشت.

ارز	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۴۶۰	-۳
یورو	۳۹۲۲	+۱۲
پوند	۴۹۵۰	+۷
درهم	۹۴۵	-۱
طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۱,۰۴۸,۰۰۰	+۱۶۰۰۰
طرح قدیم	۱,۰۴۶,۰۰۰	+۱۶۰۰۰
نیم	۵۲۳,۰۰۰	+۸۰۰۰
ربع	۲۷۵,۰۰۰	+۵۰۰۰
گرمی	۱۸۲,۰۰۰	+۲۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۰۶,۵۰۰	+۱۶۰۰
اونس (دلار)	۱۲۹۱.۵	+۶.۲